

تجزیه و تحلیل مقابله‌ای «ساخت بیان‌گویی»
بند درمتون نوشتاری تشریحی انگلیسی و فارسی
و اثرات احتمالی آن در آموزش زبان انگلیسی*

ثریا وحیدی

مربی دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۲/۱۱/۶

تاریخ تأیید نهایی: ۸۳/۲/۲۳

چکیده

هدف از این بررسی، دست‌یابی، توصیف و تبیین ساختار متنی بندهای گفتمان فارسی برحسب شیوه نگارش و «ساخت بیان‌گویی» و مقایسه آن با زبان انگلیسی است. در این بررسی مشخصات ساختاری بندهایی چند از نوشتار تشریحی انگلیسی و فارسی، مورد تجزیه، تحلیل و مقابله قرار گرفته است. نتایج حاصل از این بررسی شامل دو تفاوت عمده است: یکی متون تشریحی انگلیسی عمدتاً شامل بخش «مقدمه» و «نتیجه» مشخص و واضح‌اند. در صورتی که این طرح در متون فارسی بطور مشخص دیده نمی‌شود و بخش «بدنه» در این متون بارزتر است؛ دیگری بندهای متون انگلیسی شامل جملات درونمایه (Topic sentences) اند، در حالی که بندهای فارسی نوعاً دارای جمله درونمایه مشخص نیستند و شیوه پردازش و عرضه‌داشت مطلب در متن فارسی به گونه‌ای متفاوت از زبان انگلیسی است. **واژه‌های کلیدی:** تجزیه و تحلیل گفتمان، نوشتار تشریحی، بند، ساخت بیان‌گویی، جمله درونمایه.

* در بخشی از تحقیق حاضر از نتایج حاصل از تحقیق جوانا ای کاتچن (Jounna J. katchen) تحت عنوان: "A structural comparison of American English and Farsi Expository writing" استفاده شده است.

مطالعه مقابله‌ای «ساخت بیان گونگی»^۱ نسبت به زمینه‌های دیگر تحقیقی در ارتباط با آموزش زبان، نسبتاً جدید است و تاریخچه آن به کاری از کاپلن با عنوان «الگوهای تفکری - فرهنگی در تعلیم و تربیت میان فرهنگی» برمی‌گردد. کاپلن در بررسی خود به این نکته پرداخته است که صرف تولید جملات خوش ساخت و صحیح در یک زبان دوم توسط زبان‌آموز و هم چنین تسلط در نگارش یک متن کامل و قابل قبول به زبان مادری، الزاماً منجر به توانایی در نوشتن یک مقاله به زبان انگلیسی نمی‌شود. او تأثیر این قابلیت‌ها را در تولید متن مردود می‌شمارد و عوامل دیگری از جمله «ساخت بیان گونگی» را در این فرآیند موثر می‌داند. کاپلن در این سنجش بر رابطه بین فرهنگ و «ساخت بیان گونگی» تأکید می‌ورزد و بر این باور است که «ساخت بیان گونگی» نسبت به فرهنگ‌های گوناگون متفاوت است. او اظهار می‌دارد بعضی از زبان‌های آسیایی، برخلاف زبان انگلیسی که دارای «ساخت خطی»^۲ است، از «ساخت دورانی»^۳ برخوردارند. در این ارتباط تاکنون بررسی‌های بسیاری توسط محققان انجام پذیرفته است، و جنبه‌های متفاوت آن در نظر گرفته شده است (اسکاتن Scotten ۱۹۹۱ و یانگ Young ۱۹۹۴، زئو Zhue ۱۹۹۷).

در مطالعات مقابله‌ای که براساس تجزیه و تحلیل ساختار بند در مقالات نوشته شده توسط دانشجویانی که زبان دوم آن‌ها انگلیسی بوده است، کاپلن (۱۹۹۶) از ساختار «بند» مقالاتی صحبت می‌کند که در آن‌ها «ساخت خطی» و «ساخت دورانی» بارز بوده است، وی چنین ادعا می‌کند که «خطی» بودن سبک نوشتار در «بند» در جهت صراحت بیان است، در حالی که «ساخت دورانی» در جهت عدم صراحت و پراکندگی بیان حرکت می‌کند. کاپلن به این نتیجه رسید که بعضی از زبان‌های ژرمن از قبیل آلمانی، هلندی و انگلیسی دارای «ساخت خطی» اند ولی زبان‌های شرقی مثل کره‌ای، ژاپنی و چینی متمایل به «ساخت دورانی» اند. یافته کاپلن سهم بسزایی در شناخت تأثیر منفی ویژگی فرهنگ در مهارت نوشتن در حوزه انگلیسی به عنوان زبان دوم داشته است. این تأثیر همچنین در زمینه ارتباطات فرهنگی نیز مؤثر بوده است. (کامپ بل، ۱۹۹۸، یولیجن و اس تی امانت ۲۰۰۰). مدل ارائه شده توسط کاپلن انگیزه قوی برای پژوهش در زمینه مطالعات مقابله‌ای میان فرهنگی را فراهم آورد که پیامد آن یافته‌هایی در جهت مخالف ادعاهای کاپلن از قبیل موهان و لو (۱۹۸۵)، زئو (۱۹۹۷) و گروهی دیگر از قبیل اسکالن (۱۹۹۱) و متالین (۱۹۸۵) در جهت موافق آن بوده است. شایان ذکر است که بیشتر این مطالعات بر روی زبان چینی و «ساخت دورانی» انجام شده است و نوع ساختار بیان گونگی «جدلی»^۴ مورد بحث بوده است.

بررسی وسیع دیگری که محور آن مقایسه نوشتار تشریحی گویشوران زبان‌های دیگر با نوشتار تشریحی انگلیسی بوده است، در امریکا توسط جوانا ای کاجن (۱۹۸۴) انجام شده است. یکی از موارد مطالعه شده در این بررسی، مقایسه متون تشریحی فارسی نوشته شده توسط دانشجویان ایرانی فارغ التحصیل در آمریکا با متون تشریحی زبان انگلیسی توسط دانشجویان امریکایی است که مورد توجه این تحقیق است و در بخش دیگر به آن‌ها خواهیم پرداخت، زیرا تحقیق حاضر از بطن این بررسی نشأت گرفته است و بهره‌گیری از نتایج آن رهنمودهایی برای ادامه این کار بوده است. در این بررسی متون تحلیل شده، مقالات حاصل از موضوع پیشنهادی به آزمودنی‌ها تحت عنوان «شهر زادگاه من»، بوده است که در حدود ۳۰۰ کلمه و شامل حداقل سه بند بوده‌اند. این مقالات نخست توسط گویشور بومی ایرانی مقیم امریکا به انگلیسی ترجمه شده و سپس مورد تحلیل و بررسی و مقایسه قرار گرفته است. نتایج به دست آمده توسط محقق گزارش شده است، در این تحقیق از آن بهره گرفته‌ایم.

مسلم این است که محققان در بررسی‌های خود، در تلاش برای دستیابی به قالب ساختاری خاص در شیوه نگارش

- 1 - Rhetorical structure
- 2- Linear structure
- 3 - Circulare structure
- 4- Arigumentation

متن تشریحی زبان فارسی بوده‌اند و در این رهگذر از شرایط موجود برای جمع‌آوری اطلاعات بهره گرفته‌اند و در نهایت تلاش آن‌ها بی‌نتیجه نبوده است. ولی با همه این‌ها به نظر می‌رسد که چند نکته در ارتباط با این بررسی‌ها حائز اهمیت و قابل بحث و گفتگو است.

بحث و بررسی

در ارتباط با بررسی‌های کاپلن این نکته شایان توجه است که متون مورد مطالعه توسط گویشوران خارجی، به زبان انگلیسی نوشته شده و در واقع محقق به دنبال «ساخت بیان گونگی» زبانی خاص با استفاده از نظام زبانی دیگر و یا به عبارتی در قالب زبانی دیگر می‌باشد که این خود قابل بررسی است. هم چنین در مطالعه انجام شده توسط جوانا - ای کاجن، از یک سو آزمودنی‌ها، گویشوران بومی ایرانی بودند که مدت زمانی در امریکا مشغول زندگی و تحصیل بوده‌اند و از سوی دیگر مقاله‌های آن‌ها از فارسی به انگلیسی ترجمه شده است. اگرچه محقق به نوعی این عوامل را در نظر داشته است و همانطوری که ابراز می‌دارد، موضوع «شهر زادگاه من» را به عنوان یک موضوع خاص انتخاب نموده است که آزمودنی‌ها احساس بیشتری از موطن خود داشته باشند و این به گونه‌ای، به تأثیر بیشتر «ساخت بیان گونگی» در شیوه نگارش زبان فارسی در مقاله کمک کند. هم چنین در ترجمه مقالات به انگلیسی، که توسط یک گویشور بومی ایرانی مقیم امریکا انجام شده است، عواملی چند از قبیل ترتیب ارائه مطالب را که در این مطالعه از اهمیت خاصی برخوردار بوده، رعایت کرده است. ترجمه متون جمله به جمله و تنها در ارتباط با محتوای کلی صورت گرفته است و سعی بر آن بوده است که در ساختار کلی مقاله و بندهای آن تغییری داده نشود و آرایش «بندی» متن همانطوری که در نسخه اصلی بوده است محفوظ بماند.

در بررسی‌های یاد شده، متون مقایسه شده تحت تأثیر عواملی بوده‌اند که می‌توانسته‌اند در ماهیت «ساختار بیان گونگی» نوشتار آن‌ها مؤثر باشند. بنابراین این سؤال پیش می‌آید که آیا مشخصه‌های ساختاری هر زبان که خاص همان زبان‌اند و عناصر اولیه در بافت و هم‌بستگی گفتمان آن زبان را تشکیل می‌دهند، در ترجمه متن به زبان انگلیسی دخالت نداشته‌اند؟ و یا این‌که چون آزمودنی‌ها در یک کشور دیگر (امریکا) زندگی و تحصیل می‌کردند و زبان آموزشی آن‌ها برای مدتی صرفاً زبان انگلیسی بوده است، آن‌ها ناخودآگاه قالب و روش پردازش مطلب آن زبان را در خلق زبان مادری خود به کار نگرفته‌اند؟ و به طور کلی این سؤال پیش می‌آید که مقاله‌های فارسی مورد بررسی به اصالت و بکری مقالات انگلیسی مورد مقایسه بوده‌اند؟

به منظور کاهش تعامل «ساخت بیان گونگی» دو زبان، به نظر می‌رسد در راهبرد اینگونه تحقیق‌ها اگر متون مورد تحلیل و بررسی بدو از نوشتارهای بکر به زبان فارسی انتخاب شود، احتمالاً از نتیجه مطلوب‌تری برخوردار می‌شوند. بنابراین تحقیق حاضر در ادامه بررسی‌های یاد شده بود، و در واقع با بهره‌گیری از نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل مقالات تشریحی انگلیسی گویشوران امریکایی در بررسی جوانا - ای کاجن (به دلیل عدم دسترسی سریع به گویشوران بومی انگلیسی زبان) و مقایسه آن با نوشتار تشریحی گویشوران ایرانی در جستجوی نتایج شفاف‌تری در این زمینه است.

تجزیه و تحلیل کلام

تجزیه و تحلیل کلام علمی که در طول چند دهه اخیر مورد توجه محققان قرار گرفته است صرفاً بر محور تحلیل زبان در کاربرد آن می‌چرخد. هر نوع تظاهر زبانی که ابعاد آن در حد یک جمله باشد به علم زبان‌شناسی متداول مربوط می‌شود و آنچه به فرای یک جمله مربوط شود می‌تواند در تجسس علم کلام باشد. تحلیل‌گران علم کلام بر این باورند که ساختار و واحدهای گفتمان متفاوت از واحدها و مقولات زبان در سطح جامعه است که صرفاً به چگونگی کارکرد و قواعد آن می‌پردازد و توصیف می‌شود. در تحلیل کلام زبان در کاربرد عملی و واقعی آن دریافت قرائن، یعنی با توجه به کارکردهایش در برقراری ارتباط و انتقال پیام مطالعه و بررسی می‌شود. «گفتمان» یا کلام به هر قطعه یا پاره‌ای از زبان گفته می‌شود که به قصد برقراری ارتباط به کار برده شده باشد و «تحلیل گفتمان» به بررسی شیوه‌ها، راهبردها، و عناصری اطلاق می‌شود که به گفتمان پیوستگی

می‌بخشند: یعنی شناسایی و توصیف قواعد و ساز و کارهایی که از رهگذر آن‌ها کاربرد پاره‌ای از زبان دارای پیوستگی می‌شود و گویندگان زبان می‌توانند آن‌را به درستی تعبیر و درک نمایند و نبودن آن‌ها موجب اختلال در یک موقعیت ارتباطی خاص می‌شود. بنابراین هر عمل معنی‌داری می‌تواند متن را به وجود آورد و زبان «تنها نظامی است که می‌تواند عقاید و آرا را بیان کند» (سیلور من، ۱۹۸۳، ص ۶).

یکی از مباحث عمده در سازمان دادن و پردازش گفتمان به صورت متن و استخراج و استنتاج معنی از متن مبحث، ساخت شیوایی یا «ساخت بیان گونگی» است. گوینده و شنونده و یا نویسنده و خواننده در هنگام گفتگو یا نوشتن و خواندن گفته یا نوشته خود را به شیوه خاصی عرضه می‌دارد. نحوه عرضه داشت مطلب، انتخاب قالب بیان مطلب، خلاصه یا گسترده بیان داشتن مطلب و بالاخره به‌کارگیری ساخت دستوری و واژگان خاص ارائه مطلب، بستگی به عواملی چند از جمله کیفیت معرفت زمینه‌ای دارد (یا محمدی، ۱۳۷۲) که شنونده و یا خواننده نیز در کشف و تفسیر و استخراج منظور گوینده و نویسنده از این ویژگی‌ها بهره می‌گیرد.

در تاریخ آموزش زبان انگلیسی یکی از مدل‌های یادگیری ارائه شده، مدل چارچوب فکری - نظری^۵ است. در این مدل عنوان می‌شود که معلومات قبلی ما به صورت مجموعه‌های مرتبط به نام چارچوب‌های فکری در مغز ما جای گرفته است و وقتی برحسب مورد یکی از اعضا مجموعه تحریک می‌شود، بقیه اعضا نیز فعال می‌شوند. در این مدل از دو نوع چارچوب فکری یاد شده است، یکی صوری و دیگری محتوایی. چارچوب‌هایی هر متن از نظر محتوی^۶ با متن دیگر تفاوت دارد. برای مثال یک داستان پلیسی با یک داستان عشقی از نظر نمونه قهرمانانی که در هر یک از این دو وجود دارند، نوع رویدادها و غیره باهم تفاوت مشخص دارند. از طرفی این داستان اجزایی دارد که هر کدام باید در جای خود قرار گیرند، آرایش و ارتباط این اجزاء در یک متن با متن دیگر کاملاً متفاوت‌اند. به همین دلیل در بافت هر متن، نویسنده برای عرضه داشت مطلب به نحوه خاصی که مختص آن متن است، متوسل می‌شود. این کیفیت، چارچوب فکری - صوری متن را تشکیل می‌دهد. که در فرایند طبیعی استفاده از زبان منعکس می‌شود. طبیعی است که نوشته‌های مختلف می‌توانند چارچوب فکری - صوری متفاوتی داشته باشند. با توجه به مطالبی که عرضه شد می‌توان گفت که نوشته‌های روایی، جدلی، توصیفی و تشریحی و غیره با در نظر گرفتن ویژگی‌های گویندگان، مخاطبان و موضوع، هر یک قالب‌های مشخصی را برای عرضه داشت مطلب یدک می‌کشند و به تعبیر دیگر، هر یک از متون نقش و کارکردی ویژه دارد که متناسب با نقش خود در بافت خاص خود عرضه می‌شوند. شناخت ویژگی‌ها و طبقه‌بندی متون در حوزه زبان شناسی کلان^۷ از اهمیت به‌سزایی برخورداراند.

بنا به گفته ل. یار محمدی (۱۳۷۲) «در مشرب مطالعات زبانشناختی تحلیل گفتمان، سه عامل مهم مورد استفاده قرار می‌گیرد که عبارتند از: ۱) استراتژی‌های آغازگری^۸ ۲) یافت توزیع اطلاعات^۹ ۳) تمهیدات انسجامی^{۱۰}. بنابه نوع گفتمان، یعنی این‌که گوینده یا نویسنده کیست، شنونده یا خواننده کیست، هدف نوشتار چیست چه می‌خواهد گفته و نوشته شود، متن سازمان‌بندی خاصی پیدا می‌کند که این سازمان بندی را می‌شود از طریق این سه عامل بررسی کرد و از آن‌ها در شناخت ویژگی‌های سبک‌های مختلف یک زبان و یا گونه‌های مختلف نوشتار در زبان‌های گوناگون بهره گرفت.»

از این منظر می‌توان گفت که یک «بند» مصداقی از یک گفتمان است که در ساخت بنیادی آن سازمان بندی خاصی از یک تصویر ذهنی، یا ابراز عقاید متجلی می‌شود، که به پیوستگی و انسجام و نهایتاً عرضه داشت مطلب و انتقال یک پیام منجر می‌شود. بنابر همین تصور می‌توان گفت که از یک «بند» به مثابه‌ی یک ابزار در آرایش آرا در پردازش مطلب و عرضه داشت آن استفاده می‌شود.

5- Schema - Theoretic model

6- Macrolinguistics

7 -Thematization Strategier

8 - Structure information

9 - Cohesive device

رهیافت

آنچه در این مقاله به عنوان متن مورد تجزیه و تحلیل کلام قرار می‌گیرد، مقالاتی است با عنوان «شهر زادگاه من» که توسط ۱۵ نفر از دانشجویان سال اول دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران ارائه شده است. انتخاب این موضوع به منظور هم‌آهنگی با تحقیق یاد شده در بالا بوده است. حاصل این مقالات ۴۵ «بند» می‌باشد. مختصات ساختاری مقالات جمع‌آوری شده از دو نظر مورد بررسی قرار گرفت: یکی ساختار کلی متن و دیگری مباحث «بندی» متن. ساخت کلی متن که شامل «مقدمه»، «بدنه» و «نتیجه‌گیری» می‌باشد، بررسی شد و در ساخت «بندی» با محور قرار دادن جمله درونمایه در «بند و سازماندهی یک ایده در یک بند»، متون یاد شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

از آنجاییکه اساس در این بررسی، ساخت بیان‌گونگی و مقایسه آن در دو زبان است. لازم می‌دانم که بطور خلاصه نگاهی به ساخت بیان‌گونگی نوعی و متداول در نثر تشریحی انگلیسی داشته باشم.

یک متن یا به عبارتی یک گفتمان که به منظور برقراری ارتباط بین نویسنده و خواننده و انتقال یک پیام یا یک اندیشه خلق می‌شود بنا به قول گُردر (۱۹۸۱) دارای سه قسمت اصلی است: قسمت اول «مقدمه» است که معمولاً از یک بند تشکیل می‌شود و با آن موضوع اصلی مقاله و حد و حدود آن مشخص می‌گردد. قسمت دوم «بدنه» است که عمدتاً قسمت اصلی یک متن را شامل می‌شود و چند «بند» دارد که هر کدام به نوعی با ارائه یک ایده به پردازش، پشتیبانی و توجیه موضوع عرضه شده در بند «مقدمه» می‌پردازد. قسمت سوم نهایتاً به «نتیجه‌گیری» اختصاص داده می‌شود که شامل یک نتیجه کلی است و تمام عقاید، دلایل و توجیهات و اندیشه‌های ارائه شده در متن را به هم گره زده و با یک ارتباط منطقی به نتیجه‌ای مطلوب می‌رسد که ماحصل آن تأثیری بر موضوع اصلی است. برخی از صاحب‌نظران در این زمینه نیز بر این عقیده‌اند که اولین ابزار در هر «بند» برای عرضه داشت مطلب ساخت جمله، درونمایه است. جمله یا جمله‌های درونمایه معرف بارز ایده اصلی «بند» اند که جملات متعاقب آن و یا موجود در «بند»، بایستی به نوعی در ارتباط با موضوع معرفی شده توسط جمله درونمایه باشند. برای آگاهی بیشتر در این قسمت، ابتدا ساختار نوعی نثر تشریحی انگلیسی با نمونه‌هایی از مقالات جمع‌آوری شده در تحقیق یادشده همراه با مثال ارائه می‌گردد، پس از آن در بخش دیگر به بررسی مقالات فارسی و مقایسه آن‌ها از نظر «ساخت بیان‌گونگی» می‌پردازم. بنا به گزارش جی. ای. کاجن در این مطالعه، در ارتباط با ساختار کلی متن، بیشترین مقالات جمع‌آوری شده پیرو الگویی‌اند که در بالا بحث شد. برای مثال: یکی از آزمودنی‌های مقاله خود را با یک نقل قول جالب که توجه خواننده را جلب کند، شروع می‌کند:

Exon Isn't That an oil company? you live in an oil
compony?!!! "No, silly. Not Exton..

و سپس از نقل قولی که در مقدمه آورده است از طریق جمله سوم با استفاده از شیوه قیاس و تناقض به پردازش مطلب ادامه می‌دهد.

Exton looks very different today than it did a few years ago

و بالاخره در جمله پایانی آخرین بند ابهام اولیه در مقدمه را با اسم و موقعیت شهر منعکس می‌نماید، و به گونه‌ای آنرا توجیه می‌کند.

Not a bad place to live - come and visit, Exton, Pa.

برای مثال یکی دیگر از این آزمودنی‌ها با یک حقیقت غیر معمول که در ضمن حدود موضوع انشاء را نیز مشخص می‌کند. مقاله خود را شروع می‌کند.

The most consequious [sic] about the town I grew up in was therewasn't any

در بند اول موضوع اصلی مطرح می‌شود و سپس در قسمت‌های دیگر مقاله توجه به موضوع اصلی حفظ می‌شود و در نهایت در بند آخر با خلاصه کردن آنچه که ارائه گردیده است مطلب دیگر نیز اضافه می‌کند.

Even though I didn't live in a town, there are the same divisions of socioeconomic classes - rich, middle class / poor, catholic, protestant that would be found in towns.

در این بررسی تمام متون انگلیسی مورد نظر شامل جملات درونمایه بوده‌اند. و از یک ایده کلی به عنوان هسته مرکزی مطلب پیروی کرده‌اند.

تمام آزمودنی‌های انگلیسی زبان که در این موضوع مقاله نوشته بودند از ساخت‌بندی «یک‌بند با یک ایده» استفاده کرده بودند، بدین معنی که در هر بند فقط به یک مطلب پرداخته و از آن حمایت شده بود و نحوه معرفی موضوع برای آن‌ها استفاده از جملات درونمایه بوده است. از ۱۵ بند موجود، ده بند مشخصاً دارای جمله‌های درونمایه بوده‌اند و پنج بند دیگر بدون جمله درونمایه مشخص بوده‌اند. که سه بند از آن‌ها در قالب بند «مقدمه» و یا «نتیجه» بوده‌اند. بیشتر مقالات شامل مقدمه‌ای مشخص و «بدنه» و «نتیجه» بوده‌اند و فقط یکی از مقالات بدون بند «نتیجه» گبری مشخص بوده است.

از این بحث کوتاه و اجمالی به این نتیجه می‌رسیم که نثر تشریحی انگلیسی دارای همان الگوی یاد شده با قالبی شامل مقدمه، بدنه و نتیجه‌گیری است که در این گونه اجزاء ابزار اصلی برای عرضه داشت مطلب، «بند» همراه با جمله درونمایه است. و به نظر می‌رسد این گونه رایج‌ترین و متداول‌ترین الگوی نوشتار تشریحی متن انگلیسی می‌باشد.

حال در این بخش به بحث و بررسی مقالات جمع‌آوری شده توسط گویشوران ایرانی (دانشجویان دانشگاه تهران) و ارائه یک مقاله کامل به عنوان مثال می‌پردازم. (دیگر مقالات نزد نگارنده بوده و قابل ارائه می‌باشد)

(۱) ایران کشوی پنهان است. (۲) این کشور گسترده دارای شهرهای متعددی است. (۳) هر یک از این شهرها دارای فرهنگ و آداب و رسوم خاص خود اند. (۴) هر کدام دارای ویژگی‌های متمایزی در سایر شهرهایند که آن‌را یک مشخصه خاص برای آن شهر می‌دانند. که از عدم وجود آن کمبودی خاص ایجاد نمی‌کند.

این مقاله در کل با یک بند «مقدمه‌ای» شروع می‌شود. جمله اول مهمترین جمله در این بند است ولی به عنوان جمله درونمایه به حساب نمی‌آید. گرچه جملات (۲) و (۳) به نوعی در ارتباط با جمله (۱) می‌باشند و اطلاعات بیشتری راجع به ایران می‌دهند. جمله ۴ در واقع همان منظور را با بیانی دیگر در قالبی متفاوت ارائه می‌کند که حاوی اطلاعات، مطلب جدیدی نیست.

(۵) «در میان این شهرها یکی از آنها زادگاه من است. (۶) زادگاه من مراغه است که خصوصیات فرهنگی و آداب و رسوم خاص خود را دارد. (۷) این شهر در استان آذربایجان شرقی و در نزدیکی تبریز قرار دارد. (۸) شهر مراغه دارای جمعیتی در حدود یک میلیون نفر است که این جمعیت از ابتدا آنجا بوده و افراد شهرهایی دیگر به ندرت به آنجا مهاجرت کرده‌اند (۹) در نتیجه به راحتی افراد یکدیگر را شناخته و از حال هم باخبر می‌باشند. (۱۰) با این‌که شهر کوچکی نیست، اما همه افراد از یکدیگر شناخت داشته و تا یک فرد غریبه و تازه وارد به شهر بیاید همه اطلاع پیدامی‌کنند.

چهار جمله اول بند یعنی جملات ۵ - ۶ - ۷ و ۸ به عنوان جملات مقدمه عمل می‌کنند، گرچه هیچ جمله‌ای در این بند وجود ندارد که به طور واضح دال بر پردازش موضوعی باشد. به عبارتی این بند جمله درونمایه ندارد. جمله اول را می‌توان از نظر دستوری یک گزاره بی اثر به حساب آورد. گزاره بی اثر بنابه قول گرایم (۵۱-۱۹۷۳) وضعیتی است که در آن دو حالت پیش می‌آید، بدین معنی که یا یکی از بحث و جدلهای بند، به عنوان موضوع اصلی گرفته شود تا به یک تأثیر فرضی برسد و یا چنین شرائطی اصلاً فراهم نمی‌آید و در بافت گفتمان یک تأثیر هم پایه در موضوعات بند ایجاد می‌شود. جمله شماره (۶) مهمترین جمله، در این بند است و دو جمله بعد یعنی ۷ و ۸ نه تنها به قوت جمله اول نیستند، بلکه پیرو جمله اول بند نیز نمی‌باشند. در این بند موضوع جمله ۷ موقعیت جغرافیایی مراغه نسبت به تبریز بحث می‌شود. جمله ۸ اطلاعاتی راجع به میزان جمعیت مراغه و این‌که این جمعیت بومی‌اند و شامل مهاجرین نمی‌شود و همچنین این شهر مهاجر ندارد را عرضه می‌کند. همانطور که ملاحظه می‌شود در این جمله اطلاعاتی توزیع می‌شود و در قسمت دوم جمله با توضیحی مربوط به موضوع به یک اطلاع جدید یعنی مهاجرت نکردن مردم به آن منطقه می‌پردازد، (جمله طولانی یکی از خصوصیات نثر فارسی است، شاید

در مقایسه با ساختار یک متن انگلیسی بتوان گفت که همین محتوی^۱ در قالب سه جمله در متن انگلیسی بیان می‌شود) این بند نیز جمله درون مایه واضحی ندارد و در میانه بند دو موضوع موقعیت و جمعیت مطرح می‌شود که در ادامه موضوع جمعیت در آن بارز شده و در همان جمله پردازش می‌شود و در نهایت در جمله ۹ و ۱۰ به یک نتیجه‌گیری در این رابطه می‌رسد. (۱۱) «این شهر از ابتدا مورد توجه قدرت طلبان بوده است. (۱۲) قوم مغول ابتدا مراغه را فتح کرد و چون دید که شهر از نظر علمی، فرهنگی، در سطح بالایی است، رصدخانه مراغه را ساختند (۱۳) این رصدخانه تاکنون باقی مانده و به عنوان یک اثر تاریخی محسوب می‌شود.»

در این بند جمله ۱۱ حاوی یک بیان کلی می‌باشد و جمله ۱۲ به عنوان گواه و پیرو آن می‌آید. در اینجا به نظر مناسب می‌آید که جمله ۱۱ یک جمله درونمایه فرض شود. ولی در ادامه جمله ۱۲ و ۱۳ دارای اطلاعاتی است که ارتباط مناسب و منطقی با دو جمله قبل ندارد. بنابراین، این بند نیز جمله درونمایه ندارد. در میانه بند که انتظار می‌رود به موضوع اول پیروا. به اطلاع جدید آخر جمله توجه می‌شود. و با ارائه یک مثال به عنوان گواه، به پردازش موضوع ادامه می‌دهد. (۱۴) از نظر فرهنگی و آداب و رسوم مردم توجه زیادی به سنت‌ها و عقاید خود دارند. ۱۵- بخصوص مسن‌ترها که بیشتر پایبند اصول مذهبی و سنتی هستند. (۱۶) اما جوان‌ترها (مثل تمام جوانها تحت تأثیر شرایط فرهنگی تا حدی تغییر کرده‌اند. (۱۷) از مراسم و سنت‌های آن‌ها این است که قبل از عید نوروز در آخرین سه‌شنبه سال (شب چهارشنبه سوری) بازارهایی در شهر تشکیل می‌شود که مردم همه برای خرید به آنجا رفته و برای کودکان اسباب بازی می‌خرند. (۱۸) اما نکته مهم در این است که همه از این بازار آینه می‌خرند، چون اعتقاد دارند با خرید آینه‌های جدید و نگاه در آن، زندگی تازه‌ای را در سال جدید آغاز خواهند کرد.

در این بند جمله (۱۴) که اولین جمله است، کاربردی مشابه به یک جمله درونمایه متن انگلیسی را دارد، بخصوص که جمله ۱۵ به حمایت از آن آمده است و جمله ۱۶ نیز باشیوه تناقض و قیاس به این راه ادامه می‌دهد و از طریق جمله‌های ۱۷ و ۱۸ در قالب جمله پیرو با به تصویر کشیدن یک مراسم خاص به عنوان مثال به عرضه مطلب می‌پردازد. (۱۹) از دیگر مراسم خاص در مراغه، مراسم روزهای محرم است که در آنجا حال و هوایی دیگر دارد. (۲۰) در آنجا بر خلاف شهرهای دیگر، روزها مراسم نوحه‌خوانی و سینه‌زنی را بر پا کرده و شب‌ها تدارک مراسم روز بعد را می‌بینند. (۲۱) در روز عاشورا هم صبح زود، حدود ساعت ۵ صبح مردان در حالی که حوله‌ای سفید به دور خود پیچیده‌اند، به دنبال فردی که پرچی به دست دارد می‌دوند و مسافتی را تا امامزاده‌ای طی می‌کنند. (۲۲) بعد از خوردن صبحانه به تکایا و حسینیه باز می‌گردند. (۲۳) در این مراسم از شمشیر استفاده می‌کنند. (۲۴) البته در گذشته شمشیر بوده اما اکنون از چوب استفاده می‌کنند و یک حرکت ریتیمیک خاصی را بوسیله این چوب‌ها انجام می‌دهند و به عزاداری می‌پردازند.

در این بند، جمله (۱۹) در جایگاه جمله درونمایه عمل می‌کند و مطلب اصلی بند را مطرح می‌کند. سپس جملات ۲۰-۲۱ و ۲۲ و دیگر جملات بند با توزیع اطلاعات مناسب و مرتبط باجمله درونمایه و موضوع مطروحه با شیوه توصیفی به اصل مطلب می‌پردازد.

نمونه‌های بررسی شده در بالا، نشانگر نکات جالب و قابل توجهی درباره سبک و شیوه نوشتار تشریحی فارسی است. در این بررسی متون فارسی از دو جنبه متفاوت، یکی ساختارکلی متن و دیگر ساخت «بندی» آن مورد مطالعه قرار گرفته است. از نظر ساختار کلی، بیشتر مقالات شامل مطالب «مقدماتی» و «بدنه‌ای» بوده‌اند. از ۱۵ مقاله جمع‌آوری شده تنها ۸ مقاله نسبت به اصول این تحقیق قابل بررسی بودند. از ۸ مقاله موجود، در ۴ متن «مقدمه» لحاظ شده بود، که از این چهار مقاله تنها دو مقاله مقدمه‌ای مجزا و مشخص را شامل می‌شدند. کلیه مقالات از بخش «بدنه» مناسبی برخوردار بوده‌اند. ضمن این که همگی در پردازش موضوع به‌طور منسجم موفق نبوده‌اند. نکته قابل توجه دیگر این که مقالات به ندرت دارای بخش «نتیجه» بوده‌اند. در ارتباط با این بخش، مقالات نوعاً به دو طریق پردازش شده بودند، بدین ترتیب که یا متن در قسمت بدنه رها شده و ادامه نیافته است و یا این که با یک جمله کوتاه سعی بر مهار کردن موضوع شده است.

تحلیل این متون در سطح «بند» نیز نشانگر نکات قابل توجهی در ساختار «بندی» است. که در نهایت به چگونگی

ساختار کلی متن و عرضه داشت مطلب می‌انجامد. از ۲۹ بند بررسی شده تنها ۱۰ بند دارای جمله درونمایه مشخص‌اند. ۵ بند دارای جملاتی‌اند که با تردید می‌شود آن‌ها را به عنوان جمله درونمایه تلقی کرد. شایان ذکر است که از ۹ بند یاد شده ۳ بند به مقاله شماره یک و ۵ بند به مقاله شماره ۲ مربوط می‌شود و ۲ بند دیگر به طور پراکنده در مقالات مشاهده شده‌اند.

نگاهی محدودتر در ساختار متنی بافت در سطح درون جمله‌ای و بین جمله‌ای و توجه به ویژگی‌های نوشتاری ساختار متون فارسی شاید به تعبیری عاملی برای دستیابی به چگونگی الگوی هدایت مطلب در این متون باشد. نافذترین ویژگی انشاءهای فارسی، ساختار بارز جملات مضاعف و موازی با سازه دو مفهومه‌اند که از جملات دو قسمتی تشکیل شده‌اند. بنابر گزارش جی - ای کاچن، گویشوران امریکایی نیز از این ساختار در نوشتار خود استفاده کرده‌اند، که نمونه آن جملاتی با یک بیان کلی و با یک مثال خاص به دنبال آن می‌باشد. ولی بندهای مقالات بررسی شده فارسی، موارد استفاده از ساختار دوتایی را به مراتب بیشتر از متن انگلیسی داشته است. مقالات فارسی نه تنها شامل سازه مضاعف یا واحد دو تایی‌اند، بلکه جملاتی نیز با نظم دوتایی ارائه دهند که در آن یک موضوع کلی همراه با اطلاعات فرعی عرضه می‌شود. با این شیوه، رابطه اطلاعات داده شده از راه تقابل و تضاد ظاهراً بهتر مشخص می‌شود (مقاله ۳، بند ۴، جملات ۴ و ۵).

(۴) ورود توریست‌ها نیز وضعیت بیمارگونه‌ای به شهر می‌دهند. چون این شهر از نظر امکانات اصلاً نمی‌تواند پاسخگوی این همه توریست باشد. (۵) اگر در تابستان گذرتان به انزلی بیافتد و از بلوار انزلی عبور کنید مسافران در سراسر بلوار روی زمین خوابیده‌اند. ارتباط این جملات از طریق، اطلاعات کهنه و اطلاعات جدید برقرار می‌شود، بدین ترتیب که اطلاع کهنه در پایان جمله اول به عنوان یک خبر در جمله بعدی می‌آید (مقاله ۴ بند ۴ جمله ۵). این بافت در متون فارسی بارز و مشخص است، بدین صورت که قسمت اول جمله بعد به مطالب قبلی ارجاع داده شده و به طور کلی با محور قرار دادن ایده قبلی به ایده جدید می‌پردازد، که این فرایند با جفت‌بندی جملات همراه با یک بیان کلی و ادعاهای جزئی، از طریق ایجاد تضاد و تقابل می‌باشد. راهکاری دیگر که مورد استفاده قرار گرفته، ساختار عللی است که گاهی با کمک تک جمله‌های بلند و یا جملات جفت با ارائه سبب (cause) در نهایت به اثر (Effect) می‌رسد (بند ۴، مقاله ۳، جملات ۶-۷).

متن از یک نظر به نظر دیگر حرکت می‌کند. این نظرات به ظاهر ارتباطی با موضوع اصلی ندارند و گاهی یک نوع پراکندگی رامی‌نمایند، ولی در عین حال مضمون سازمان‌دهنده‌ای در متن وجود دارد که به گونه‌ای احساس می‌شود. هر جمله از مضمون اصلی (Theme) حمایت می‌کند و این حمایت به صورت مضمون‌های فرعی (Sub - Theme) و به ارائه شواهد و دلایل می‌پردازد (بند ۲، مقاله ۴).

(۶) آلودگی دریا اغلب باعث بیماری‌های پوستی شناگران می‌شود، چون فاضلاب‌های شهری و کارخانجات عمدتاً به دریا می‌ریزد. (۷) مرداب زیبا نیز در حال مرگ است.

بنابراین در متن فارسی نیز از شواهد و دلایل برای حمایت و تقویت پیام اصلی بند استفاده می‌شود، ولی این راهبرد صریحاً به صورت یک جمله صرف درونمایه که در متن انگلیسی وجود دارد، دیده نمی‌شود. در بندهای متون فارسی حرکت از کل به جزء با کمک تمهیدات مورد بحث که در متون فارسی بارز و مشخص است، صورت می‌پذیرد.

نتیجه‌گیری

در مقایسه این یافته‌ها با نتایج به دست آمده از تحلیل ساختار بند در متون انگلیسی توسط جی. ای. کاچن، تضاد قابل ملاحظه‌ای مشاهده می‌شود. از آنجایی که، استفاده از جمله درونمایه به تعداد محدودی از آزمودنی‌ها بر می‌گردد. این امر نمی‌تواند به عنوان یک مختصه ساختار متنی برای زبان فارسی به حساب آید. زیرا این تصور پیش می‌آید که ممکن است در مورد این آزمودنی‌ها عوامل دیگری از قبیل پیشینه ساختار زبانی غیر از زبان فارسی در این فرایند دخالت داشته باشد، در نتیجه این یافته قطعاً قابل تعمیم نمی‌باشد. بنابراین می‌توان فرضاً به این ادعا رسید که بندهای متون تشریحی انگلیسی نوعاً دارای جمله درونمایه‌اند، در حالی که «بند» در متن تشریحی فارسی، صرفاً از این ساختار پیروی نمی‌کند. اگر چه، هم متن

انگلیسی و هم متن فارسی، هر دو موضوعاتی بنیادی دارند که پردازش مطلب را هدایت می‌کنند. اگرچه در بندهای متون فارسی به طور کلی جمله‌ای به عنوان جمله «درونمایه» مشخص‌آید نمی‌شود، ولی با تمهیداتی از قبیل جفت‌بندی جملات و استفاده از واژگان مناسب، همواره یک حس قوی دال بر یک سازماندهی سنجیده در متن نمایان است. دیگر این‌که به نظر می‌رسد که در شیوه نگارش متن بخش «نتیجه» به عنوان یک بخش مجزا لحاظ نمی‌شود. آنچه مسلم است پردازش و عرضه‌داشت مطلب در متون فارسی مانند انگلیسی به صورت روشن و مستقیم نیست و بر اساس ساختار پیچیده و شاید به گفته کاپلن «ساخت دورانی» و یک سری سازه‌های جفت و موازی‌اند. با توجه به نتایج به دست آمده که دال بر تفاوت «ساخت بیان گونگی» متون تشریحی فارسی و انگلیسی است، به نظر می‌رسد تعمیم این نتایج، بررسی وسیع‌تر همراه با مطالعه آماری به منظور فرض ادعا را می‌طلبد.

بدیهی است که تحقیق حاضر موضوعی جدیدی نیست و اخیراً در تاریخچه آموزش زبان از این مقوله به مراتب یاد شده و مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته که نهایتاً به نتایجی مشابه دست یافته است. ولی آنچه حائز اهمیت است، توجه به اثرات احتمالی آن در آموزش زبان انگلیسی بطور عملی است. برای نمونه مهارت خواندن و نوشتن دو فرایندی‌اند که مستقیماً در ارتباط با یکدیگرند و در واقع تعریفی متداول برای مهارت خواندن به عنوان فرآیند ذهنی پیچیده‌ای «دریافت معنی و مفهوم از یک نوشتار» است (نیوشام، ۱۹۸۴). نوشتار به پاره‌ای از گفت‌وگو می‌شود که دارای انسجام و ارتباطی منطقی بین جملات در جهت هدایت یک مفهوم به منظور برقراری ارتباط با خواننده باشد. تحقیقات نشان داده‌اند که هر نوشتار در زبان‌های متفاوت برای نیل به این هدف، الگوهای ساختاری متفاوت را به کار می‌گیرد، که این شیوه‌ها، نشانگر تفکر و فرایند ذهنی گویشوران آن زبان است. بنابراین می‌توان به این فرض رسید که درک مضمون از یک متن در گرو ارتباط بین جملات آن متن است که این ارتباط با ساختاری خاص فراهم می‌شود. در نتیجه تسلط به این الگوهای خاص در ایجاد یک ارتباط منطقی در متن به منظور درک و استنتاج مطلب حائز اهمیت است، زیرا در قالب یک متن جملات مفهوم خاص خود را می‌یابند.

شارپ در کاری که شامل گزارش تحقیق خود در در ارتباط با «آگاهی از ساختار متن و تاثیر آن بر درک مطلب» است، این‌گونه نظر می‌دهد که ویژگی ساختاری متن بر درک آن تأثیر دارد و بدین ادعا می‌رسد که درک «متون با ساختار منسجم» سهل‌تر از درک «متون با ساختار از هم‌گسسته» است (شارپ، ۲۰۰۲، ص ۶۲). وی همچنین توضیح می‌دهد که عدم توانایی زبان‌آموزان در تشخیص الگوهای ساختاری، بخصوص در متون انگلیسی سبب می‌شود که آن‌ها بیشتر با جملات یک متن به عنوان یک سری ایده‌های ناپیوسته برخورد کنند تا این‌که از ساختار متن به عنوان یک عامل حصول به معنی استفاده کنند. این امر در رابطه با زبان‌آموزان ایرانی آزمایش شده و ارتباطی معنی‌دار نشان داده است و وحیدی (۱۳۸۱). نهایتاً به نظر می‌رسد که دست یافتن به این قالب‌ها و توجه به آن‌ها در آموزش مهارت خواندن از طریق توجه به نیاز تدریس صریح ساختار متن، فاصله گرفتن از روش‌های مبتنی بر واژگان و حرکت به طرف روش‌های مبتنی بر تجزیه و تحلیل متن در کلاس و همچنین همراهی آموزش مهارت خواندن با مهارت نوشتن، می‌تواند زمینه‌های مناسب و راهبردهای مطلوب‌تری در جهت رفع مشکلات فراگیری زبان‌آموزان را فراهم آورد.

از آنجایی که «بیان‌شناسی» مقابله‌ای بیشتر از جنبه‌های «ساختار نحوی» و تفاوت‌های فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است و عمدتاً به نوع ساختار جدلی و تشریحی پرداخته است، این تفکر ایجاد می‌شود که به همان اندازه که تنوع فرهنگی و ساختار نحوی در تفاوت ساختاری مؤثر است. عوامل دیگر از قبیل نوع زبان، رشته تحصیلی و موقعیت اجتماعی نیز می‌تواند مؤثر باشد. شاید به همین دلیل باشد که کانر (۲۰۰۲) راهبرد وسیعی در «بیان‌شناسی مقابله‌ای» پیشنهاد می‌کند و اظهار می‌دارد که «بیان‌شناسی» را بایستی در معنای خود همراه با عناصر مربوط به مطالعات مقابله‌ای مورد مطالعه و بررسی بیشتر قرار دهیم.

- ۱- یارمحمدی، لطف الله، *ساختمان گفتمانی و متنی رباعیات خیام و منظومه انگلیسی فیتز جرالد* (ارائه شده در دومین کنفرانس زبانشناسی نظری و کاربردی دانشگاه علامه ۱۳۷۲)
- 2- Brown, G., and yule, G., *Discourse Analysis*, Cambridge University Press, Cambridge, 1983.
- 3- Campbell, C.P., *Rhetorical ethos : A Bridge between High – context and low context cultures? In the cultural context in Business communication*, s. - Niemeier, C. P., Campbell and R Dirven (Eds.), 31- 48. Philadelphia : John
- 4- Conner, U., *Contrastive rhetoric cross- cultural aspects of Second- language writing*, New york combridge university press, 1996.
- 5- Conner, U., *Contrastive rhetoric refined*, In clayann Gilliam panetta (E.d) *contrastive Rehotric Revisited and Redefined*, Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, 2002.
- 6- Hallidays, M. A. K., & Hassan, R., *Cohesion in English*, Landon: Longman, 1976.
- 7- Kaplan, R.B., *Cultural Thought in Inter - cultural education*, language learning, 16(1-2), 1- 20, 1966.
- 8- Katchen, J. E., *American English and Farsi expository writing*, Papers in linguistics vol, 15, 1985.
- 9- Matalen, C., *Cantrastive Rhetoric : An American writings teacher in chinall, College English*, 47, 789- 808, 1985.
- 10- Mohan, B.A., and lue, W. A . Y., *Academic writhing and chineze students, Transfer and developmental factors*, TE SOL Quarterly, 19, 515- 534, 1985.
- 11- Newsham, G.S., *paragraphs in France and English*, unpublished Ph.D.Dissertation University of Montreal, 1978.
- 12- Scollon, R. ,*Topic Confustion in English - Asian discourse*, World English 10(2), 113-125, 1991.
- 13- Sharp, A., *Reahing Comprehension and Text organization*, Lewiston, Ny :, Edwin Mellen Press, 2003.
- 14- Silverman, K., *The subject of semiotics*, Oxford; Oxford UniversityPress, 1983.
- 15- Ulijin, J.M. A., st. Amant, K., *Mutual intercultural perception : How does It affed technical communication*, – Same data, from china the uethertheland, Germany, France and Itally, Technial communication, 2000.
- 16- Vahidi, S., *The Role of the Knowledge of Paragraph Organization on the Reading Comprehension of Academic/Expository Text*, Tehran University, forthcoming, 2002.
- 17- Young, L.W. L., *Cross-talk and culture in Sino_ American Crmmunication*, New york, New York, Cambridge University Press , 1994.
- 18- Zhue, Y., *Incorporating Persuasive Orientalions into the cross-cultural study of Genres, knowledse & Discourse: Speculating on Disciplinary*, 2nd International conference, Hors, kony, June, 2002.
- A rhetorical analysis of Chiresesale letters*, Text, 17, (4), 543-566, 1997.